

مهجوریت قرآن در نظام آموزشی و راههای برون رفت از آن از

دیدگاه مقام معظم رهبری.....

احمد شفیعی

استادیار مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی

چکیده

قرآن کریم کتاب هدایت بشر تا قیامت است. اگر به آن عمل شود، درمان همه دردهای بشریت خواهد بود، لکن جمع کثیری از بنی آدم خود را از نسخه شفا بخش محروم کرده و به دور داشته‌اند. رسول گرامی خداوند، پیامبر عظیم الشأن اسلام (ص) در روز قیامت نسبت به مهجوریت قرآن از امتش شاکی می‌شود.

آنچه در این نوشتار آمده، حاوی تبیین مفهوم مهجوریت، بررسی ریشه‌ها و علل مهجوریت و پیامدهای آن و نیز ارائه راه کارهای برون رفت یا پیشگیری از مهجوریت قرآن در گستره نظام آموزشی کشور و در نهایت بیان آثار و نتایج رفع مهجوریت با تاکید بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری می‌باشد.

مقدمه

خداوند بزرگ پس از آفریدن انسان بر او منت نهاد و با ارسال رُسل و انزال کتب طریق هدایت را فراروی بشر گشود.^۱ سلسله پیامبران برای ابلاغ و تبلیغ تعالیم آسمانی یکی پس از دیگری از سوی خداوند برانگیخته شدند. پیام مشترک همه انبیاء الهی، قرار گرفتن انسان در مسیر توحید ناب و حاکم ساختن معارف و احکام الهی بر اندیشه و عمل اوست.

آخرین کتاب آسمانی قرآن کریم است که از طریق وحی بر قلب پاک خاتم رسولان، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم فرود آمد تا مردم را به سوی آنچه که مایه حیات بخشی آنان است^۲ فرا خواند و جان و روان آنان را از زلال ناب معارف الهی سیراب سازد. قرآن پیام جهانی و جاودانه خداوند است^۳ که حقایق غیبی را لباس «بیان» پوشانیده^۴ و همه آنها را در قالب (لسان مبین) در دسترس همه کس قرار داده است.^۵

به لحاظ این که قرآن کریم کتاب هدایت و حیات انسان هاست،^۶ بدیهی است هر چه میزان آشنایی انسانها با زبان این کتاب بیشتر باشد بهره آنان از این چراغ هدایت فزون تر خواهد بود و نیز پس از معرفت به قرآن هر چه بیشتر بر اندیشه و رفتار انسانها حاکم شود، پیمودن طریق هدایت بر آنان آسان تر و سریع تر گشته و سعادت و رستگاریشان محقق می گردد.

از سوی دیگر رویگردانی انسان و جامعه از قرآن و حاکمیت تعالیم الهی بر زندگی، ضمن محروم ساختن خویش از پرتو هدایت آن، خود را مشمول شکایت پیامبر می سازد که در پیشگاه ربوبی از مهجوریت قرآن شکوه می نماید.

جهان خواران و سیاستمداران نالایق سالهای متمادی در کشور ایران تلاش کردند تا بین ملت و قرآن فاصله بیندازند و قرآن را از زندگی او به کلی حذف کنند. تلاش آنها در نظام آموزشی کشور منجر به این شد که نسل پرورش یافته دوران ستم شاهی، هرگز با قرآن آشنا نشد و با آن مأنوس نگردید در نتیجه از حقیقت آن بیگانه و دور ماند.^۷

امروز پس از گذشت بیش از ربع قرن از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، علی رغم تلاش های فراوانی که نسبت به گسترش فرهنگ قرآنی در جامعه به عمل آمده، هنوز هم احساس می شود قرآن در زندگی ما حاکمیت لازم را نیافته و در مهجوریت به سر می برد.

نظام آموزش کشور به ویژه آموزش عالی نیز با وجود تلاش ها و برنامه های گوناگون قرآنی هم چنان از این محرومیت رنج می برد و واقعیت تلخ این است که قرآن هنوز هم در نظام آموزشی ما جایگاه واقعی خود را نیافته است. اگر چه همه به قرآن عشق می ورزند و احترام می کنند، لکن تلاوت و تدبر و فهم قرآن در مدارس و دانشگاه ها جایگاهی ندارد. از قرآن استفتاء نمی شود و حتی دانش آموزان برای حل مشکلاتشان به قرآن که برنامه زندگی است، ارجاع داده نمی شوند.

نظر به اینکه دست پروردگان نظام آموزشی به طور قطع مدیران آینده نظام جمهوری اسلامی هستند، آشنایی و انس آنها با قرآن و نیز عمل به دستورات حیاتبخش آن و در یک کلمه حاکم ساختن فرهنگ قرآنی در محیط آموزشی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر و مسلّم است. با توجه به این ضرورت است که پرداختن به مسأله مهجوریت قرآن و مباحث مربوط به آن می‌تواند گره‌گشای بسیاری از مشکلات باشد.

مقصود این نوشتار، تبیین مفهوم مهجوریت قرآن، بررسی ریشه‌ها و علل مهجوریت و پیامدهای آن و نیز ارائه راه کارهای برون رفت یا پیشگیری از مهجوریت قرآن در گستره نظام آموزش کشور و بیان آثار و نتایج رفع مهجوریت با تأکید بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری است که به آن می‌پردازیم.

مفهوم مهجوریت

مهجور در زبان عربی از ماده هَجَرَ یا هَجْران است و به معنی ترک کردن، دست‌کشیدن و بریدن از چیزی و جدایی اختیار کردن می‌باشد. این رویگردانی گاهی به صورت فیزیکی و جسمانی است، چنانکه در قرآن آمده است «و اهجر و هن فی المضاجع»^۸ و زمانی به صورت زبانی و قلبی است چنانکه آمده است «و قال الرسول یا رب انّ قومی اتخذوا هذا القرآن مهجورا»^۹.

با توجه به معنی لغوی مهجوریت می‌توان ترک کردن قرآن را به سه صورت فیزیکی، زبانی و قلبی به حساب آورد. یعنی گاهی مهجوریت به این است که انسان‌ها از قرآن فاصله گرفته و خود را از آن بیگانه سازند و زمانی به این صورت است که به قرائت، تلاوت، یادگیری و انس به آن اهتمام نورزند و سوم اینکه قرآن در زندگی مبنای عمل قرار نگیرد و امر و نهی قرآن که دستورات خداوند است بر زندگی انسان حاکم نگردد. بنابراین مهجوریت قرآن را می‌توان از نظر مغز و محتوا و متروک ماندن به لحاظ اندیشه و تفکر و کنار گذاشته شدن از نظر برنامه‌های سازنده‌اش تفسیر کرد.^{۱۰} که بیانگر سه سطح از مهجوریت است.

جوامع را به لحاظ سطح بندی در مهجوریت می‌توان در سطوح گوناگون ارزیابی نمود. چه بسا در جامعه‌ای پذیرش و احترام به قرآن وجود داشته باشد لکن قرائت و تلاوت و

عمل به آن متروک گردد و یا در جامعه‌ای دیگر پذیرش و قرائت و تلاوت رواج داشته باشد اما احکام نورانی آن در جامعه پیاده نشود. بدیهی است مهجوریت قرآن به معنی عدم حاکمیت احکام حیات بخش آن در جامعه شدیدترین نوع مهجوریت بوده که موضوع شکوه و شکایت پیامبر عظیم الشان اسلام در پیشگاه خداوند است. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید:

اگر اسلام به معنای اعتقاد و عمل افراد در جامعه وجود داشته باشد و حاکمیت دین برقرار نباشد، در چنین جامعه‌ای قرآن و اسلام مهجور است... پیغمبر اکرم نزد پروردگار عالم عرض می‌کند: «یا رب ان قومی اتخذوا هذا القرآن مهجورا» هجر قرآن به چه معناست، بی شک به این معنا نیست که قرآن و اسم قرآن و اسم مسلمانان را به طور کلی از خود دفع کردند. این اتخاذ نیست. اتخذوا هذا القرآن مهجورا، یعنی قرآن را دارند، اما همراه با هجر. قرآن هست امام‌مهجور است. به این معنا که قرآن در یک جامعه تلاوت شده و احترام ظاهری می‌شود، اما به احکام آن عمل نمی‌کنند. (۷۳/۶/۴)

جایگاه قرآن در امت اسلام

در دنیای امروز سطوح مختلفی از مهجوریت قرآن کریم به چشم می‌خورد؛ در برخی از جوامع هیچ‌گونه آگاهی به قرآن وجود ندارد و حتی با علم به وجود قرآن، اساساً اعتقادی به آن ندارند و فراتر این که دولتمردان ستمگر و طمع ورزان دنیاطلب، به مبارزه و مقابله با آن نیز می‌پردازند، در چنین جامعه‌ای، قرآن در همه سطوح مهجور است.

وضعیت امت اسلام به گونه‌ای دیگر است، در هیچ کدام از کشورهای اسلامی مهجوریت از نوع اول به معنی عدم پذیرش قرآن وجود ندارد. اصولاً مسلمان بودن آنها به پذیرفتن قرآن مبتنی است. با این وجود در برخی از این کشورها اهتمام فراوانی نسبت به قرائت، تلاوت و حفظ قرآن وجود دارد ولی یا به احکام آن در عرصه عملی توجه نمی‌شود و یا این که به صورت گزینشی بر اساس تفسیرها و برداشتهای فرقه‌ای به آن عمل می‌شود. در چنین کشورهایی مهجوریت قرآن به این است که بسیاری از احکام آن رها شده و مهجور مانده است. مقام معظم رهبری در جمع قاریان بین المللی کشورهای مسلمان این حقیقت را این‌گونه بیان می‌فرماید:

حقیقت این است که ما قرآن را مهجور گذاشته‌ایم. درست است که قرآن را تلاوت می‌کنیم و به آن عشق می‌ورزیم، اما این کافی نیست. قرآن آمده است تا بنای زندگی انسان را بر طبق بینش الهی شکل دهد؛ قرآن آمده است تا جوامع ما را سعادتمند، عزیز، مستقل و از لحاظ مادی و معنوی پیشرو قرار دهد؛ نقش قرآن این است.

یک روز امت اسلامی به برکت عمل به قرآن در علم، عزت و اخلاق و معنویت پیشرفت کرد و جامعه بشری را به جلو برد؛ اما امروز که شما به امت و دنیای اسلامی نگاه می‌کنید، می‌بینید که امت اسلامی وحدت و یکپارچگی ندارد؛ استقلال ندارد؛ از لحاظ علمی و مدنی پیشرو نیست؛ دیگران به او زور می‌گویند؛ قدرتهای مادی و شیطانی و طواغیت عالم به او اعمال سلطه می‌کنند؛ اینها برای چیست؟ برای این است که ما درست به قرآن عمل نکرده‌ایم. البته تلاوت، حفظ و فراگیری قرآن، مقدمه است برای این که ما به شکل قرآن در بیاییم؛ هم شخصیت فردی ما به شکل قرآن در بیاید، هم جوامع ما قرآنی شود. اول ما باید خودمان را با قرآن تطبیق دهیم. (۷۸/۶/۲)

ایران دوران ستمشاهی مصداق مهجوریت یاد شده بود، چنانکه مقام معظم رهبری می‌گوید:

ما در کشور خودمان هجران به معنای واقعی قرآن را لمس کردیم. این یک واقعیت بود در زندگی ما. قرآن مهجور بود. حتی در فهم معارف اسلامی و درک حقایق اسلام بر روی قرآن به عنوان یک سند کم کار می‌شد. به تفسیر قرآن کم پرداخته می‌شد به فهم ظواهر قرآن، حتی درک مفهوم همین کلماتی که در قرآن کریم هست اهمیت کم داده می‌شد، زبان قرآن برای غالب مردم ما یک زبان ناشناخته بود. تدریجاً در داخل خانه‌ها و در مدرسه‌ها و در اجتماعات تلاوت قرآن هم مهجور می‌شد. یک چنین وضعیتی بر ملت ما و بر جامعه ما حاکم بود و این را به وجود آورده بودند این کار را بر مردم ما تحمیل کرده بودند نسل‌های رو به رشد ما و جوانهای ما با قرآن انسی نداشتند. (همان)

امروز در جمهوری اسلامی وضعیت به گونه‌ای دیگر است. توضیح اینکه از نظر اندیشه‌ای و جهت‌گیری و تصمیم‌گیری مهجوریتی وجود ندارد، یعنی قرآن زیربنای همه قوانین، تصمیم‌ها، برنامه‌ریزی‌ها قرار گرفته است. این جا قرآن برای اجرای احکام عمومی

جامعه، محور قرار گرفته است. یعنی هر آنچه از شوون اداره یک جامعه است، رسماً از قرآن گرفته می‌شود، نه اسماً. قوانین از قرآن اتخاذ می‌شود. هر آنچه مخالف با قرآن باشد طرد می‌شود. حکومت و قدرت سیاسی بر طبق معیارهای قرآنی تشکیل می‌شود. ارزشهای حاکم بر جامعه ارزشهای قرآنی است.

علی‌رغم اینکه در جمهوری اسلامی ایران گرایش‌ها و جهت‌گیریها قرآنی شده است اما نسبت به گسترش فرهنگ قرآنی در جامعه کاستی‌های فراوانی وجود دارد به گونه‌ای که حتی بسیاری از عملکردها بر اساس قوانین اسلام و قرآن نیست و بیشتر افراد جامعه حاکمیت قرآن در تار و پود زندگی خویش را یا بر نمی‌تابند و یا احساس نمی‌کنند. بنابراین گرچه در زمینه رویکرد قرآنی پیشرفت‌هایی حاصل شده، اما تا رسیدن به نقطه مطلوب و ایده‌آل، فاصله بسیاری است.^{۱۱}

حقیقت این است که در آموزش عالی کشور و با وجود جهت‌گیری‌ها و تلاش‌های فراوان در راستای حاکمیت فرهنگ قرآنی هنوز هم دانشجویان عمق وجود فرهنگ قرآنی را در نیافته‌اند، به گونه‌ای که بسیاری از آنها از روانخوانی ساده ناتوان‌اند و بخشی دیگر به حفظ و قرائت و تلاوت روی خوشی نشان نمی‌دهند و اکثریت آنان از تفهیم و تفهم مفاهیم بلند قرآنی بی‌بهره‌اند. از سوی دیگر متولیان آموزشی نیز در حاکمیت بخشیدن به فرهنگ قرآنی توفیق چندانی نداشته‌اند. نشانه این عدم توفیق، از عدم اشتیاق و استقبال پرشور دانشجویان نسبت به برنامه‌های قرآنی مشهود است. با توجه به این حقیقت است که رسالت و وظیفه بزرگان، استادان، علماء، روشنفکران، سیاستمداران، نخبگان حکومتی و دیگران از جمله متولیان امور فرهنگی و آموزشی بسیار سنگین است.^{۱۲}

علل مهجوریت قرآن

بر اساس قاعده عقلی، انجام هر کاری نیازمند دو رکن اصلی و اساسی است. یکی اینکه عامل و علت انجام دهنده فعل وجود داشته باشد و دیگر این که مواعی بر سر راه تحقق فعل وجود نداشته باشد. به عبارت دیگر مقتضی موجود و مانع مفقود باشد.

نسبت به حاکمیت قرآن در جامعه نیز این قاعده جاری است یعنی هم عوامل ایجابی

واثباتی برای تحقق فرهنگ قرآنی در جامعه لازم است و هم باید موانع سلبی از سر راه برداشته شود. بدین رو موانعی که از حاکمیت قرآن بر زندگی انسان‌ها پیشگیری می‌کنند و باعث مهجوریت قرآن می‌گردند با نام عوامل مهجوریت قرآن شناخته می‌شوند.

عوامل مهجوریت قرآن را با دو گونه تقسیم می‌توان به دو دسته تاریخی و امروزی، یا خارجی و درونی تقسیم کرد که به شرح بعضی از آنها می‌پردازیم:

۱. **توطئه استکبار:** استکبار مدرن به لحاظ این که قرآن و احکام نورانی آن را مانع بزرگی بر سر راه خویش نسبت به تسلط بر کشورهای اسلامی می‌دید، مهجور نمودن قرآن و کنارگذاشتن آن از زندگی جوامع اسلامی را به عنوان یک راهبرد اساسی تعقیب می‌کرد تا از این رهگذر بتواند سلطه‌گری‌اش را در کشورهای اسلامی تداوم بخشد. مهم‌ترین پایگاهی که برای دستیابی آنان به مقصودشان مورد توجه جدی قرار می‌گرفت، فرهنگ جامعه به ویژه نظام آموزشی آنان بود. به همین جهت در حوزه آموزشی سرمایه‌گذاری فراوانی کردند تا نسلی همسو و هم‌جهت با فرهنگ استکباری و نیز بیگانه از فرهنگ قرآنی پرورش یابد.

مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید:

برای طراحان سیاست، هجران قرآن و کنارگذاشتن قرآن، یک آینده فوق‌العاده مطلوب و ایده‌آلی داشت که به تدریج پیش می‌آمد. آنها به فکر یک روزگاری بودند که مردم اسمشان مسلمان باشد اما از ستون فقرات دین، سند اصلی دین، سخن خدا از دین یعنی قرآن هیچ‌گونه اطلاعی و معرفتی نداشته باشند. به یک چنین وضعیتی ما می‌رسیدیم و امروز متأسفانه در میان ملت‌های مسلمان، هستند مردمی که به این وضعیت رسیده‌اند یا به آن نزدیک شده‌اند. (۶۳/۱/۱۲)

این سرمایه‌گذاری استکباری و روند تاریخی، نظام آموزشی ما را از قرآن بیگانه کرده گونه‌ای که هنوز پیامدهای زیانبار آن در نظام آموزشی محو نشده است.

۲. **جهل و غفلت:** یکی از علل مهجوریت قرآن عدم آشنایی با حقایق قرآن است. یکی از رویکردهای استکبار جهانی این است که قرآن را مربوط به دوران نزول معرفی کنند و تاریخ مصرف و استفاده آن را تمام شده اعلام کردند. متأسفانه بسیاری از جوامع اسلامی نیز

به جهت ناآشنایی با قرآن که کتابی جاودانی برای زندگی بشر است، مرعوب القانات شیطانی استکبار گشته و روحیه سنت ستیزی و تجددگرایی بر آنان حاکم شد. به جای آن که علاج دردها و ضعف‌های خود را در قرآن جستجو نمایند نه تنها هرگز خود را به قرآن و تعالیم آن نیازمند ندیدند؛ بلکه با رویگردانی از قرآن تنها به علم و عقل بشری متکی شدند. نتیجه ناآشنایی و غفلت از قرآن چیزی جز برخورد تشریفاتی با قرآن نیست. به گونه‌ای که عملاً قرآن در کابین زنان قرار گرفت یا برای سر سلامتی مسافر از زیر آن رد شدند و یا این که آن را برای مردگان قرائت کردند، غافل از آن که قرآن کتاب زندگی و نسخه شفابخش دردهای لاعلاج بشر سرخورده از تمدن صنعتی و زندگی ماشینی مدرن و همه بشریت تا قیامت است.^{۱۳}

۳. ناهم‌بانی با قرآن: عامل دیگری که به مهاجوریت قرآن می‌افزاید، ناهم‌بانی ملت ایران با زبان قرآن است. گرچه قرآن به «لسان عربی مبین» نازل شده است ولی بیشتر مردم ما به جهت ناآشنایی با زبان عربی و در نتیجه دست نیافتن به دقائق، ظرایف و لطایف آن زبان حتی اگر خود را در محضر قرآن نیز حاضر سازند، فهم و ادراک لازم از قرآن نصیب آنان نمی‌شود. از همین روست که به طور طبیعی لذت انس با قرآن و زیبایی حاکمیت قرآن در زندگی را در نمی‌یابند و اینجاست که روح قرآن از جامعه رخت بر می‌بندد. بدیهی است این وضعیت در نظام آموزشی ما نیز به جهت عدم توفیق در سیستم و شیوه‌های آموزش زبان عربی وجود دارد. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید:

مردم ما با قرآن آشنا نیستند. این یک واقعیتی است فرهنگ قرآنی در بین مردم جان‌نفتاده است علتش هم در درجه اول ناهم‌بانی است چون زبان قرآن را بلد نیستیم ماها. (۶۴/۹/۲۵)

۴. عدم اتکاء نظام آموزشی به قرآن: یکی از ویژگی‌های نظام آموزشی کشور، ترجمه‌ای بودن آن است. یعنی روگرفت و برگردانی از نظام آموزشی کشورهای غربی است. گرچه با دخل و تصرف در برخی از موارد که منجر به بومی سازی آن شده است از ضعف‌های آن کاسته گشته، ولی زیر بناها هم چنان براساس زیربنای نظام‌های آموزشی غرب است. پر واضح است که نظام‌های آموزشی غرب مبتنی بر اصل نفی دین از زندگی بشر است که به نام (اومانیزم) خوانده می‌شود. نظام آموزشی کشور به گونه‌ای است که یک دانشجو می‌تواند

همه مقاطع تحصیلی را طی نماید بدون آن که مراجعه به قرآن را در خود احساس نماید. وقتی مقام معظم رهبری درباره نظام آموزشی حوزه‌های علمیه معتقد است که این نظام درسی به گونه‌ای طراحی شده است که احتیاجی به قرآن ندارد،^{۱۴} داوری نسبت به عدم ابتدای نظام آموزش کشور بر قرآن مشکل نخواهد بود به ویژه اینکه این نظام از جهت یاد شده به مراتب فقیرتر از نظام آموزشی حوزه‌های علمیه است.

۵. برخورد غیر مسؤانه با درس قرآن در نظام آموزشی: یکی از عوامل مهجوریت قرآن، برخورد نامناسب و مواجهه غیر قابل قبول با برنامه‌ها و دروس مرتبط با قرآن است که باعث کم توجهی و حتی دلزدگی دانش‌آموزان می‌شود. از جمله این مواجهات و برخوردها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف. ناچیز بودن سهم قرآن در نظام آموزشی به گونه‌ای که تنها ساعتی یا کمتر از آن در هفته به قرآن آن هم در کنار دیگر دروس اختصاص دارد و دانش‌آموز یا دانشجوی خود را در دیگر ساعات فارغ از قرآن می‌بیند.

ب. ساده‌انگاری آموزش قرآن به گونه‌ای که در بسیاری موارد مدرسین غیر متخصص برای آموزش قرآن به کارگیری می‌شوند.

ج. عدم اهتمام به درس قرآن به گونه‌ای که گاهی اوقات، ساعات آموزش قرآن به مدرسین دروس علمی دیگر جهت آموزش آن درس علمی واگذار می‌شود.

د. عدم به کارگیری روشهای مناسب و جذاب آموزش قرآن و اتکا به روش سنتی و در نتیجه عدم خلاقیت و نوآوری در شیوه‌های آموزشی.

ه. تقسیم دروس به اصلی و فرعی از سوی دانش‌آموزان و قرار گرفتن قرآن در حوزه دروس فرعی، به جهت اینکه دانش‌آموزان برای ارتقاء یا کسب رتبه‌های علمی به ویژه در کنکور و پس از آن در دانشگاه، سهم قرآن را صفر یا بسیار ناچیز می‌بینند.

پیامدهای مهجوریت قرآن

هر سطحی از مهجوریت در جامعه وجود داشته باشد، پیامدهای زیانباری را به دنبال خواهد داشت. اگر جامعه‌ای نسبت به قرآن بی‌ایمان باشد، نتیجه این خواهد شد که انسان‌ها

هم قدر خدا را ندانند و هم جایگاه خود را در مقابل خدا نفهمند در نتیجه به دنبال این بی ایمانی دردهای بشری فزونی یافته و استکبار و استضعاف در جامعه شکل گیرد. استکبار مستکبرین و نیز استضعاف مستضعفین همه ناشی از بی ایمانی بوده و تاریکی‌ها، ظلمتها و تیرگی‌ها در فضای زندگی مردم از آن ناشی می‌شود.^{۱۵}

جامعه‌ای که قرآن را راهنمای زندگی خویش قرار ندهد و از راهنمایان الهی اعراض نماید زندگی شایسته انسانی و الهی را پیدا نخواهد کرد و مثل ملت‌هایی که به احکام الهی پشت کردند گرفتار ظلم و ستم و زورگویی قدرتهای بزرگ و نیز تفرقه و برادرکشی و هم‌چنین گرفتار ناراحتی‌های روانی و عصبی و مشکلات روز افزون زندگی می‌شود. گر چه در چنین جوامعی آب و نان مردم و رفاه و معیشتشان تأمین باشد ولی از زندگی شایسته انسان که زندگی هدفدار و سرشار از عشق و محبت و آرمانهای متعالی نظیر عزت و آزادی است بی‌بهره خواهند بود. بدیهی است چنین جامعه‌ای نمی‌تواند آسایش و آرامش را احساس کند.^{۱۶}

مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید:

نکته‌ای اصلی‌یی که من می‌خواهم عرض کنم، این است که آن عاملی که می‌تواند بشر را نجات بدهد، آن دست قدرتمند و معجزه‌گر، جز اسلام ناب و قرآن کریم و احکام مقدس آسمانی نیست. بشر حقیقتاً در سختی و بدبختی است. اکثریت انسانها مورد ظلمند. بخش اعظم طبیقات روی زمین، به انسانهای خبیث اختصاص پیدا می‌کند. عدل در دنیا نیست. علاوه بر این که عدل نیست شعور به فقدان عدل هم نیست و مهمتر این که نجاتبخش راهم - که اسلام و قرآن و احکام الهی است - کسی در دنیا درست نمی‌شناسد. با استنباط از بینش قرآنی، بر حسب تکلیف و تحلیل تاریخی، اسلام باید ملت‌ها را نجات بدهد. (۶۹/۸/۵)

پیامد دومین سطح از مهجوریت که اصل قرآن پذیرفته می‌شود لکن در آن تدبیر نمی‌شود، گمراهی جامعه خواهد بود. وقتی در جامعه از قرآن سؤال نشد و برای حل مشکلات از آن استفاده نشد گمراهی بر مردم حاکم می‌شود و بینش‌های غلط و دور از حقیقت اسلام حتی به نام اسلام بر جامعه حاکم خواهد شد.^{۱۷}

جامعه اسلامی در مسیر زندگی نیازمند منبعی است که تمام نشدنی باشد و این منبع

چیزی جز قرآن نیست اما زمانی که جامعه اسلامی از قرآن بهره نگرفت بالطبع نسبت به آن بی اعتنا می شود و نتیجه آن گمراهی است.^{۱۸} با توجه به این واقعیت است که در طول تاریخ کسانی که خواسته اند مردم را به بیراهه بکشاند از جهل و ناآشنایی مردم با قرآن سود جسته و با تحریف حقایق و تحریف دین به مقصود خود رسیده اند.^{۱۹}

مقام معظم رهبری نسبت به نتیجه انحراف از قرآن که فقر و عقب ماندگی است اینگونه می فرماید:

هدایت قرآنی برای ما لازم است. عزیزان من! اگر می بینید امروز مسلمانها دنیا و آخرتشان را در بسیاری از کشورها از دست دادند - که نه دنیا دارند، دنیایشان دنیای فقر و ذلت و سلطه بیگانگان و عقب ماندگی و جهل و بیسوادی و اختلاف و نکبت است - این دنیایشان است - آخرتشان هم بخاطر آلوده شدن به همین دنیای کوچک و حقیر، آخرت خوبی چندان نیست و نباید باشد - علتش این است که با قرآن قطع رابطه کردند. (۷۴/۲/۶)

سطح سوم از مهجوریت عمل نکردن به قرآن و حضور نداشتن قرآن در عرصه زندگی انسانهاست. این نوع از مهجوریت پیامدهای جبران ناپذیری را به دنبال خواهد داشت: «در جامعه ای که قرآن اساس زندگی آن نباشد و فهم آن رواج نداشته و در عرصه حیات فردی و اجتماعی اش قرآن حاضر نباشد، هیچ حرکت اسلامی با عمق و به معنای حقیقی کلمه رخ نخواهد داد.» (۶۳/۱۱/۲۴) «و حتی اگر جبهه حقیقی با بی تحلیلی و بی تدبری در قرآن شکل بگیرد چنین جامعه ای از نصرت اهل حق و مؤمنین محروم می ماند.»^{۲۰}

نتیجه چنین وضعیتی محروم شدن جامعه از حیات طیبه قرآنی است. مقام معظم رهبری معتقد است ناآشنایی مردم با متن قرآن و بی بهره گی آنان از فهم صحیح و عمل به آن منجر به مهجوریت مضمون قرآن و در نتیجه غریب ماندن متن و ظاهر قرآن خواهد بود و چنین واقعیتی در جامعه اسلامی دوران خلافت و بعد از آن رخ داد و باعث شد جامعه اسلامی از حیات طیبه قرآنی محروم بماند.^{۲۱}

منشأ اساسی ظهور چنین پیامدهایی زیربناها و ساختارهای فرهنگی و آموزشی هر جامعه است. نظر به این که در جمهوری اسلامی ایران اکثریت فرزندان در سیستم آموزشی رسمی قرار می گیرند، توجه به این نکته ضروری است که برای پیشگیری از بروز

و ظهور چنین پیامدهایی، باید در تمام مقاطع آموزشی به ترویج، تعمیق و ارتقای فرهنگ قرآنی همت گماشت.

راهکارهای رفع مهجوریت

قرآن کریم آخرین پیام الهی برای هدایت بشریت است که بر قلب مبارک آخرین فرستاده خداوند، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نازل شد. برجسته‌ترین ویژگی این پیام آسمانی جهانی و جاودانی بودن آن است بر این اساس با توجه به هیمنه داشتن قرآن بر دیگر شرایع آسمانی،^{۲۲} تنها نسخه شفابخش بیماریهای بشر بوده و عمل به آن تنها راه‌علاج و درمان دردهای اوست. به همین جهت باید غبار مهجوریت را از چهره او زدوده و آن را بر همه عرصه‌های وجودی حیات بشر حاکم گردانید.

با شیوه‌های گوناگون می‌توان به رفع مهجوریت قرآن اقدام نمود که به برخی از این راهکارها اشاره می‌کنیم.

۱. **بیدار کردن حس نیاز به قرآن:** اولین قدم برای رفع مهجوریت از قرآن، ایجاد حس نیازمندی به آن در بشریت است. اگر بشر سرخورده از تمدن صنعتی جدید و مأیوس شده از همه مکاتب و اندیشه‌های بشری به این باور برسد که عقل و علم بشر هرگز به تنهایی نمی‌تواند برنامه سعادت و نجات بشر را تنظیم نماید آنگاه است که علاج دردهای خود را در آموزه‌های وحیانی می‌جوید.

امروز بزرگترین درد ملت‌ها عدم بهره‌مندی از زندگی عادلانه و سعادت‌مند است که به جهت رویگردانی از آموزه‌های وحیانی صحیح یعنی قرآن پیدا شده است. بنابراین راه چاره، ایمان آوردن به قرآن و هدایت بخشی آیات و نشانه‌های الهی نهفته در آن است و این به معنی اعتراف به سخن مولا امیرالمؤمنین علی (ع) است که می‌فرماید: «فیه دواء دائکم» دواي دردهای شما در قرآن است. پس همه دلسوزان و هدایتگران جامعه بشری وظیفه دارند نسبت به تبیین شفابخش بودن قرآن اقدامات لازم را انجام دهند تا احساس نیاز همگانی نسبت به آموزه‌های قرآن در انسان‌ها پدید آید و رویکردها همه رویکردی قرآنی شود.^{۲۳}

۲. **تمسک به قرآن:** قرآن کتاب علم و حکمت و توحید و همه فضیلت‌های بشری است و آموزه‌های آن رهنمودهای بی‌بدیل زندگی بشر است. به همین جهت اساس زندگی بشر در

قرآن نهفته است. بنابراین بشر برای دستیابی به زندگی سعادت‌مندانه و با شرافت راهی جز تمسک به قرآن در متن زندگی ندارد. هر کس به میزان ظرفیت فکری‌اش می‌تواند از قرآن بهره بگیرد. مراجعه به قرآن و پذیرش تعالیم آن تنها راه نجات بخش بشر است.

برای دستیابی به زندگی یاد شده باید قرآن زیر بنای همه برنامه ریزیها و تصمیم‌های اداره زندگی بشر باشد. باین رویکرد است که باید در نظام آموزشی و تک تک متون درسی، اصول و مبانی قرآن گنجانده شود به گونه‌ای که دانش پذیر در یادگیری علوم بشری هم خود رانیزمند مراجعه به قرآن ببیند و قرآن و آموزه‌هایش را روح اساسی همه آموزشها بیابد. و هم سیاستگذاری‌ها، برنامه‌ریزیها، تصمیم‌گیریها و عملکردها را با شاخصه‌های قرآنی اندازه‌گیری کند.^{۲۴}

مقام معظم رهبری زیر بنا بودن قرآن را، مصداق تمسک به قرآن شمرده و در این باره می‌فرماید:

پس امروز از همیشه بیشتر ملت‌های مسلمان موظفند به قرآن مراجعه کنند؛ به قرآن تمسک کنند؛ به قرآن عمل کنند؛ مقدمه علم فهم قرآن است. و فهم قرآن فقط به معنای فهم ظواهر قرآنی نیست، بلکه معارف قرآنی را باید فهمید و در قرآن باید تدبر کرد و تدبر در قرآن اگر با عمل همراه بود، خود آن عمل مراحل دیگری از فهم و درک و نور قرآنی را برای انسان به وجود می‌آورد. و همه اینها متوقف به درس قرآن است. پس از قرائت قرآن و حفظ قرآن تا فهم و تدبر و استنباط و جمع‌بندی مفاهیم قرآنی و عمل به آنها در زندگی فردی و تا بنای زندگی سیاسی و اجتماعی بر پایه قرآن، همه اینها مشمول تمسک به قرآن است. (۶۶/۱/۱۲)

برای ایجاد بستر مناسب در جهت تمسک به قرآن در نظام آموزش پیشنهاد می‌شود در همه گروه‌های برنامه‌ریزی درسی و تألیف متون آموزشی حداقل یک کارشناس علوم قرآنی آشنا و توانمند در ترکیب گروه اصلی قرار گیرد تا آموزه‌های قرآنی مرتبط با هر شاخه و موضوع علمی در متن آموزشی گنجانده شود. به گونه‌ای که با انتخاب آیات متناسب و سرنوشت ساز و قرار دادن آنها در متن آموزشی و بالطبع تعلیم و آموزش آن به جوانان، روح و محتوای این آموزه‌ها در دل و جان فراگیران قرار گیرد و تأثیرات حیات بخش خویش را در فرد و جامعه آشکار سازد.^{۲۵}

۳. گسترش فرهنگ قرآن: در جهت بهره‌گیری از شفاف‌بخشی قرآن برای آلام روحی و دردهای روانی، نیاز به آن داریم که فضای کشور به ویژه محیط‌های آموزشی، فضای قرآنی شود. به گونه‌ای که با واجب دانستن یادگیری قرآن همه با آن مانوس شده و معارفش را دریافته و با فرهنگ قرآن آشنا شوند. (۸۲/۸/۶ و ۶۴/۹/۲۵)

رهنمود مقام معظم رهبری در زمینه گسترش فرهنگ قرآن این است که:

اما اکنون نوبت آن است که با تدبیر و تعمق در قرآن کریم و با گسترش و تعمیق فرهنگ اصیل قرآنی در سطح جامعه، یکایک رهنمودها و فرامین قرآن را برای تشکیل نظام اسلامی، کامل به کار گیریم و جامعه را قرآن مجسم کنیم. اینکار بی‌شک نیازمند تلاش بزرگ، دراز مدت و پرحوصله است، تلاشی که اولین قدم آن آشنایی همگان با ظاهر قرآن و انس همگام با این کلام عزیز الهی است.^{۲۶}

برای ایجاد فضای قرآنی در محیط آموزشی فعالیت‌های زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. قرائت قرآن با صوت و لحن آهنگین در برنامه‌ها.
۲. آغاز هر جلسه آموزشی و کلاس درس با یک آیه از قرآن توسط مدرس مربوطه (کلیه دروس).

۳. آراستن دیوارهای مراکز آموزشی با تابلوهای قرآنی حاوی آیاتی از قرآن که به صورت ملموس تأمین‌کننده نیازی از نیازهای مخاطبان است و تغییر آنها پس از زمانی مشخص، مثلاً سه روز.

۴. ترویج فرهنگ حفظ قرآن به میزان توانایی، حتی اگر بخشی از آیات باشد.^{۲۷}

۵. تبیین خطابه‌های قرآنی که به مردم و مؤمنین خطاب شده است و بیان امر و نهی‌های آن همراه با معرفی پیام‌هایش به صورت موضوعی در طول سال.

۶. برگزاری مسابقات قرآنی در زمینه‌های حفظ، قرائت، مفاهیم، تفسیر و... در مقاطع مختلف به منظور شکوفاسازی استعدادها و توانمندی‌های نهفته دانش‌اندوزان.^{۲۸}

۷. آموزش روش‌های قرائت، تلاوت، حفظ، فهم و تدبیر در قرآن با شیوه‌های جذاب و هنری.

۸. تربیت قرآن‌پژوه به صورت تخصصی و واگذاری امور قرآنی به آنان.

۴. ترویج زبان عربی: نظر به اینکه ناهم‌بانی ملت ما مانعی در جهت حضور قرآن در زندگی به شمار می‌رود و منجر به مهجوریت قرآن می‌گردد، باید زبان عربی را با جهت‌گیری واژه‌ها و مفاهیم قرآنی در جامعه ترویج نمود. به گونه‌ای که همه با مراجعه به قرآن به راحتی معنای عبارات قرآن را بفهمند. بدیهی است آموزش روش ترجمه قرآن در این زمینه راهگشا خواهد بود.^{۲۹} بنابراین پیشنهاد می‌شود در تمام مقاطع تحصیلی علاوه بر اینکه در متن درس عربی رویکرد قرآنی و بهره‌گیری از واژه‌های آن مورد توجه قرار می‌گیرد، بر روش فهم قرآن تأکید شود نه بر مکالمه عربی. و هم‌چنین در آموزش روانخوانی و تجوید قرآن که مقدمه فهم قرآن است فعالیت‌ها با رویکرد تأمل و تدبر قرآن سامان یابد.^{۳۰}

۵. آباد کردن مساجد و نمازخانه‌ها: یکی از راهکارهای رفع مهجوریت از قرآن این است که مساجد و نمازخانه‌ها را به عنوان پایگاه‌های رشد اندیشه‌های اسلامی آبادتر کنیم و برای رسیدن به چنین جایگاهی پیشنهاد می‌شود آیات قرآن را با تدبر و تأمل قرائت کنیم و در کنار متن آیات، ترجمه و حتی تفسیر مختصر و گویای آن را نیز بیان کنیم و تنها به قرائت عربی آیات بسنده ننماییم. بدیهی است قرآن بدون حدیث، مفسر و مبین ندارد و حدیث هم بدون قرآن جهت ندارد بنابراین در قرائت و تبیین آیات مراجعه به روایات صحیح نقل شده از معصومین علیهم السلام توصیه می‌شود.^{۳۱}

۶. انس با قرآن: برای برخورداری از یک جامعه اسلامی و حکومت اسلامی و اداره آن جامعه بر اساس نظام اسلامی که باید قوانین اسلامی حاکمیت داشته باشد راهی جز آشنایی مردم با قرآن و انس‌گیری با آن وجود ندارد.^{۳۲}

انس با قرآن معرفت عمومی یک کشور را بالا می‌برد و یاری‌گر ملت در جهت دستیابی به اهداف خواهد بود. مأنوس بودن با قرآن به این است که در همه حال خود را در محضر قرآن بیابند و هرگاه اندک فراغت‌ی برایشان پیدا می‌شود مشغول تلاوت قرآن شوند.^{۳۳} بدیهی است انس با قرآن دلبستگی به آن را بیشتر می‌کند. زیرا قرآن مثل یک دریای عمیق است، انسان در سطح آن چیزهایی را می‌یابد و اگر کسی اهل غواصی هم باشد در عمق آن چیزهای تازه‌ای مشاهده می‌کند و هر چه بیشتر به اعماق آن فرو رود حقایق

بیشتر و تازه تر را به دست می آورد. رسوخ در علم که مرتبه دستیابی به حقایق والا و بلند قرآنی است به برکت انس طولانی و بلند مدت با قرآن برای انسان پیش می آید. در چنین حالتی است که هدایت قرآنی شامل حال انسان می شود.^{۳۴}

با توجه به برکات فراوان انس با قرآن پیشنهاد می شود شیوه های جذاب و هنری برای مانوس نمودن دانشجویان به قرآن شناسایی گردد و نسبت به اجرایی نمودن آن اقدام شود. از جمله آنکه همه صحبت ها و سفارشات مستند به آیات قرآن همراه با توصیه مراجعه به آن صورت گیرد. البته توانمند سازی متولیان آموزش به بهره گیری کامل از آیات قرآن اولین قدم و در عین حال کارسازترین آن در این مسیر می باشد.

۷. تکرار قرآن: یکی از شیوه های اثربخش در مسأله هدایت تکرار و بازخوانی آیات قرآن است. زیرا انسان در دوباره خوانی قرآن به ویژه وقتی همراه با تدبیر باشد، مطلب جدیدی می یابد که از فهم قبلی، عمیق تر، روشن تر، راهنماتر و راهگشاتر است و خود این تشویق کننده برای خواننده قرآن است که مراجعه دوباره به آن داشته باشد و در مرتبه سوم نیز مطلب بهتری از آن دو تای اول در می یابد و به همین ترتیب ادامه می یابد و عامل هدایت انسان می شود.^{۳۵}

با توجه به تأثیر تکرار در اخلاق و آداب انسان است که پیشنهاد می شود برای رفع مهجوریت قرآن در محیط های آموزشی باید فراوان آن را تکرار کرد و به توصیه رهبر فرزانه انقلاب به شورای عالی انقلاب فرهنگی جامعه عمل پوشانید که می فرماید:

برای آن چیزهایی که مربوط به عادات و افکار و اخلاق هست، گفتن کافی نیست. علم که نیست، آن علم است که یک بار که گفتی، دیگری یاد می گیرد. دفعه دوم می شود تکرار. آن چه که مربوط به عمل است، دانستن برایش کافی نیست. گفتن و گفتن و گفتن و همیشه گفتن و به شکل های مختلف گفتن لازم دارد تا نفوذ کند در ذهن انسان. چرا می گویند قرآن را از اول تا آخرش بخوانید، باز تا تمام شد شروع کنید از اول تا آخر، باز تمام شد. اگر در طول عمرتان صد هزار بار هم توانستید بکنید این کار را، بکنید. کتاب را انسان یک بار می خواند دفعه دوم هم اگر خیلی خوب بود می خواند بعد تمام می شود، می گذارد کنار دیگر، چون قرآن کتاب تربیت است، کتاب تربیت این جور است، کتاب اخلاق را یک بار باید بخوانید، دفعه دوم هم

باید بخوانید، دفعه سوم هم باید بخوانید. گفتن و سپس گفتن و به شیوه‌های مختلف گفتن می‌خواهد عادات این جور عوض می‌شود، اخلاق این جور اصلاح می‌شود، فرهنگ این جور به روش صحیح می‌افتد. این گفتن می‌خواهد بازگفتن می‌خواهد به شیوه‌های مختلف گفتن می‌خواهد. (۷۲/۹/۲۹)

۸. **عمل به قرآن:** مهم‌ترین راهکار رفع مهجوریت قرآن عمل به احکام نورانی و آیات مبین قرآن است. تمام کارهای قرآنی از قبیل قرائت، تلاوت، حفظ، ترجمه، فهم، تدبر، تفسیر و... مقدمه عمل است. اگر همه مراحل یاد شده انجام شود اما در عینیت رفتارهای فردی و اجتماعی پیاده نشود قرآن همچنان مهجور خواهد بود. البته مسلم است هرگاه تدبر در قرآن با عمل همراه شود خود آن عمل مراحل دیگری از فهم و درک و نور قرآنی را برای انسان به ارمغان می‌آورد. (۶۶/۱/۱۲)

عمل به قرآن هم باید در محدوده کشور دل و مملکت وجود شخصی افراد باشد و هم باید در محیط عظیم جامعه صورت گیرد. نظر به اینکه محیطهای آموزشی فراگیرترین و سازنده‌ترین بخش جامعه به شمار می‌رود، ترویج عمل به قرآن در چنین محیطهایی باید جزء اولویت‌های درجه یک محسوب شود. بنابراین پیشنهاد می‌شود رویکرد عمل به قرآن با توجه و اهتمام به حاکم ساختن رفتار قرآنی در محیطهای آموزشی، باید در صدراولویت‌های برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری قرار گیرد.

نتیجه:

چنانچه راهکارهای پیشنهادی برای رفع مهجوریت، اجرایی و عملیاتی شود، به طور قطع و یقین آثار و برکات فراوانی را در زندگی فردی و اجتماعی در پی خواهد داشت. برخی از این آثار عبارتند از:

۱. افزایش معرفت عمومی جامعه. (۷۰/۱۱/۳)
۲. زدوده شدن تاریکی‌ها و تیرگی‌های گمراهی از جامعه. (۶۲/۸/۵)
۳. حاکم شدن فضایل و مکارم اخلاقی، الهی و انسانی و به بار نشستن معنویت در جامعه. (۷۷/۹/۱ و ۶۸/۸/۲۱)
۴. افزایش محبت خدا و اولیای الهی و نیز پیروی از آنان و در نتیجه رفع ظلمات

گمراهی و تحقق هدایت عمومی. (۷۹/۸/۹)

۵. معنایابی زندگی انسان‌ها و تحقق حیات طیبه. (۷۲/۱۱/۴)

۶. نفی حاکمیت غیر خدا از قبیل طواغیت و ستمگران. (۶۸/۱/۱۵)

۷. حاکمیت خدا و قوانین الهی در جامعه. (۶۵/۲/۹)

۸. عمق‌یابی نهضت و انقلاب اسلامی و ماندگارتر و راسخ‌تر شدن آن. (۶۳/۱۱/۲۴)

۹. اقتدار بخشی به جامعه اسلامی و به ارمغان آوردن عزت برای آنان. (۸۲/۷/۶)

۱۰. شکل‌گیری تمدن بزرگ اسلامی. (۷۱/۱۱/۵)

با توجه به آثار یاد شده همه متولیان جامعه در حوزه‌های مختلف وظیفه دارند نسبت به رفع مهجوریت قرآن اقدام نمایند. بدیهی است رسالت متولیان امور فرهنگی در این زمینه دو چندان است و متولیان و برنامه‌ریزان آموزشی به ویژه آموزش عالی مسئولیتی بس خطیر و رسالتی سنگین به عهده دارند. امید است احاد افراد جامعه نقش و رسالت خود را در رفع مهجوریت قرآن باز شناسند و از بذل هیچ کوششی به قدر وسع و توان در این راه دریغ نورزند تا مشمول عنایات و ویژه خداوند شده و حیات طیبه را برای خود و جامعه رقم بزنند.

پی‌نوشتها:

۱. آل عمران، آیه ۱۶۴.

۲. انفال، آیه ۲۴.

۳. انعام، آیه ۱۹ و توبه، آیه ۳۳ و فتح، آیه ۳۸ و صاف، آیه ۹ و فصلت، آیه ۴۲.

۴. آل عمران، آیه ۱۳۸.

۵. نحل، آیه ۱۰۳.

۶. بقره، آیه ۱۸۵.

۷. برداشت از بیانات مقام معظم رهبری در مسابقات بین‌المللی قرآن ۱۷/۱۱/۷۰.

۸. نساء، آیه ۳۴.

۹. فرقان، آیه ۳۰.

۱۰. آیت الله ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۷۶-۷۷.

۱۱. برداشت از بیانات مقام معظم رهبری در مراسم قرائت قرآن ۱۰/۱۱/۷۴.

۱۲. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در مسابقات قرآن کریم ۶/۷/۸۲.

۱۳. برداشت از بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع قاریان قرآن ۱۰/۱۱/۷۴ و ۷۸/۸/۷۸ و ۸۲/۸/۶.

۱۴. بیانات مقام معظم رهبری در جمع طلاب و روحانیون مشهد ۱۰/۶/۶۷.

۱۵. برداشت از بیانات مقام معظم رهبری ۵/۸/۶۲.

۱۶. برداشت از بیانات مقام معظم رهبری در بوشهر ۷۰/۱۰/۱۱.
۱۷. برداشت از بیانات مقام معظم رهبری در مسابقات بین المللی قرآن ۶۳/۱/۱۲.
۱۸. بیانات مقام معظم رهبری در درس تفسیر ۶۰/۱۱/۹.
۱۹. برداشت از بیانات مقام معظم رهبری در مسابقات قرآن ۷۸/۸/۲۰.
۲۰. برداشت از بیانات مقام معظم رهبری ۹۹۹.
۲۱. قرآن کریم -سوره مانده آیه ۴۸.
۲۲. برداشت از بیانات مقام معظم رهبری ۷۴/۱۱/۱۰.
۲۳. برداشت از بیانات مقام معظم رهبری ۶۷/۶/۱۰ و ۸۷/۸/۲۰ و ۸۱/۷/۱۶.
۲۴. برداشت از بیانات مقام معظم رهبری در مسابقات قرآن کریم ۷۸/۸/۲۰ و ۸۱/۷/۱۶.
۲۵. برداشت از بیانات مقام معظم رهبری در جمع قاریان قرآن ۷۰/۳/۱۶.
۲۶. پیام و خطابه، مقام معظم رهبری، ص ۱۶.
۲۷. برداشت از بیانات مقام معظم رهبری در مسابقات قرآن کریم ۶۸/۱/۱۷.
۲۸. برداشت از بیانات مقام معظم رهبری در مسابقات قرآن کریم ۷۸/۲/۲۲.
۲۹. برداشت از بیانات مقام معظم رهبری در مسابقات قرآن کریم ۶۳/۵/۱۵ و ۷۸/۸/۲۰ و ۶۴/۹/۲۵.
۳۰. برداشت از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار قاریان قرآن ۷۹/۹/۸.
۳۱. برداشت از بیانات مقام معظم رهبری در کتاب چهار ساله دوم، ص ۱۸۹.
۳۲. برداشت از بیانات مقام معظم رهبری در مسابقات قرآن ۶۴/۹/۲۵.
۳۳. برداشت از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با قاریان ۷۰/۱۱/۳.
۳۴. برداشت از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانش آموزان استعدادهای درخشان ۸۲/۴/۲۵.
۳۵. برداشت از بیانات مقام معظم رهبری در درس تفسیر ۶۰/۱۱/۹.